

معاون امور معادن شرکت فولاد مبارکه:

فولاد مبارکه استراتژی لازم برای ورود به اکتشافات معدنی را دارد



فولاد مبارکه فلز استراتژیک در جهان است و هم اکنون کشورهایی همچون چین، که در رأس قدرت‌های اقتصادی جهان قرار دارند، تولیدکنندگان اصلی فولاد در جهان شناخته می‌شوند. امروز چالش اصلی و بزرگ این صنعت، که دامن گیر تولیدکنندگان فولادی در سراسر جهان شده و ایران نیز از آن بی‌نصيب نمانده، تأمین مواد اولیه است. هم‌اکنون بزرگ‌ترین شرکت‌های فولادساز جهان نیز برای تأمین نیاز خود به سمت فعالیت‌های معدنی رفته و به اکتشاف معادن پرداخته‌اند. نمونه بارز این امر شرکت آرسلومیتال (ArcelorMittal)، بزرگ‌ترین تولیدکننده فولاد در دنیاست که حدود ۶۰ درصد نیاز خود به سنگ آهن را از معادنی که در اختیار دارد تأمین می‌کند تا جایی که خود را به چهارمین تولیدکننده سنگ آهن در دنیا نیز بدل کرده است. در ایران نیز طی سال‌های گذشته فولادسازان بزرگ با کمبود مواد اولیه روبرو شده‌اند و از آنجا که حتی با تعیین عوارض صادراتی نیز مشکل تأمین مواد اولیه آن‌ها رفع نشده، قصد دارند به سمت معدن‌کاری بروند.

فولاد مبارکه اصفهان به عنوان بزرگ‌ترین مجموعه فولادساز در ایران نیز سعی دارد با الگوبرداری از شرکت‌های بزرگ فولادی جهان، در حوزه اکتشاف و بهره‌برداری از معادن سنگ آهن سرمایه‌گذاری کند، چرا که به عقیده معاون امور معادن این شرکت، فولاد مبارکه اصفهان اهلیت و پتانسیل لازم برای ورود به این بخش را داراست و استراتژی‌های مناسبی بدین منظور تعریف کرده است.

به گفته وی، در سال‌های آینده برای حفظ تعادل در زنجیره فولاد، سرمایه‌گذاری فولادسازان و معدن‌کاران باید در حوزه اکتشاف و بهره‌برداری از معادن سنگ آهن متمرکز باشد.

در ادامه گفت‌وگو با محمد یاسر طیب‌نیا، معاون امور معادن شرکت فولاد مبارکه اصفهان راسی خوانید.

■ **وضعیت ذخایر معدنی ایران، به ویژه سنگ آهن، در مقایسه با دیگر کشورها چگونه است؟**

ایران به دلیل برخورداری از ذخایر معدنی فراوان، در رتبه دهم کشورهای معدنی جهان قرار گرفته است. از لحاظ ذخایر سنگ آهن نیز در جایگاه مشابهی هستیم. البته کیفیت ذخایر سنگ آهن موجود در ایران، به لحاظ عیار، چندان بالا نیست و نمی‌توان سنگ آهن ایران را به لحاظ کمی و کیفی با سنگ آهن کشورهای برتر در این حوزه همچون استرالیا و برزیل مقایسه کرد. همچنین میانگین درصد آهن حدود ۷۵ درصد از ذخایر کشور زیر ۵۰ درصد (TFe) است که نسبتاً کم است؛ بنابراین می‌توان گفت کلیه ذخایر ایران، به استثنای درصد محدودی از آن، نیاز به فرآوری دارد و مستقیماً نمی‌توان از آن‌ها برای تولید محصولات فولادی استفاده کرد.

■ **روند فعالیت‌های اکتشافی در کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

عمده فعالیت‌های اکتشافی و بهره‌برداری از ذخایر اصلی کشور، در حال حاضر مربوط به فعالیت‌هایی است که چندین دهه قبل صورت گرفته و به خصوص در زمینه سنگ آهن طی سال‌های اخیر ذخایر بزرگ قابل توجهی شناسایی نشده است. دلیل اصلی این امر نیز هزینه‌های بسیار زیاد فعالیت‌های اکتشافی، محدودیت بودجه نهادهای دولتی در این بخش و عدم فعالیت بخش خصوصی توانمند و پذیرنده ریسک فعالیت‌های اکتشافی است. راهکار اصلی نیز جدی گرفتن بخش خصوصی دارای اهلیت در این زمینه است. شرکت‌های بزرگ معدنی نیز در این مدت با سرمایه‌گذاری در حوزه‌های پایین دست خود، از سرمایه‌گذاری در بخش اکتشافات با فناوری‌های نوین غافل شده‌اند و این عوامل به طور کلی باعث شده حدود یک دهه از برنامه مورد نیاز این بخش عقب‌باشیم.

البته در سال‌های اخیر، شرکت‌های تولید مواد معدنی ایران، سازمان امپدرو و سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور اقداماتی انجام داده و به نتایج مثبتی رسیده‌اند، با این حال در مقایسه با میزان ذخایر موجود در کشور و وسعت سرزمینی، جای کار بسیاری وجود دارد.

■ **آیا روند فعالیت شرکت‌های معدنی در ایران با دیگر کشورها قابل مقایسه است؟**

با یک نگاه کلی به آمار تولید و تجارت سنگ آهن در دنیا در می‌یابیم که عمده تولید و تجارت سنگ آهن در انحصار چند شرکت بزرگ چندملیتی است (بالعبر ۷۰ درصد تجارت سنگ آهن در انحصار چهار شرکت VALE، برزیل، RIO TINTO استرالیا، BHP و ARCELOR MITTAL است). شرکت‌های بزرگ دیگری نیز در آمریکا، هندو... فعالیت دارند. نکته اینجاست که حجم اصلی اکتشافات نیز به دست همین شرکت‌ها انجام می‌شود. بر اساس آمار موجود، در میان ۱۰۰ شرکت اول حوزه هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه اکتشافات بوده و این امر نشان می‌دهد بخش عمده و تمرکز کار در فعالیت‌های معدنی، حوزه اکتشاف است. همچنین ۲۵ درصد سرمایه در زمینه توسعه و ۱۲ درصد در حوزه تولید و بهره‌برداری استخراج هزینه شده است. این ارقام گویای آن است که شرکت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که حجم اصلی سرمایه‌گذاری

ساختاری نهادهای ذی‌ربط در دولت نیاز است. تحریم‌های بین‌المللی همچنان پابرجاست، بحران کرونا نیز اضافه شده و در عین حال برنامه و هدف ارزشمند و هوشمندانه جهش تولید هم در دستور کار قرار گرفته است. یکی از حوزه‌هایی که در این شرایط امکان فعالیت و جهش جدی در آن متصور است و کرونا و تحریم‌های بین‌المللی نیز نمی‌تواند بر آن اثرگذار باشد، اکتشافات معدنی است. البته ممکن است محدودیت‌هایی در زمینه استفاده از تکنولوژی‌های نوین وجود داشته باشد، اما خوشبختانه دانش فنی و توان لازم در بخش اکتشاف کشور وجود دارد. شرکت‌های اکتشافی خوبی در کشور فعال اند و شرکتی همچون فولاد مبارکه نیز نقدینگی و استراتژی لازم برای ورود به این حوزه را دارد. در این میان دولت باید هوشمندانه عمل کند و از ظرفیت‌های شرکت‌ها بهره‌برد. فولاد مبارکه توانایی آن را دارد که پیش‌تر توسعه و جهش برای دولت و کشور باشد و دولت می‌تواند از کمک شرکت‌هایی مثل فولاد مبارکه استفاده کند. برای مثال، پهنه‌های معدنی خوبی در کشور وجود دارد و باید در اختیار کسانی قرار گیرد که از اهلیت و دانش و توان مالی لازم برخوردارند و می‌توانند از عهده انجام کار برآیند.

■ **درصد ذخایر معدنی دیگر کشورها نسبت به درصد عیار سنگ آهن ایران بیشتر است؛ بنابراین بالطبع بخش عمده‌ای از هزینه‌ها صرف فرآوری می‌شود. حال سؤال اینجاست که آیا در نگاه‌های معدنی، واردات سنگ آهن از جاهایی که سنگ آهن عیار بالاتری دارند مقرون به صرفه و منطقی است؟**

در این خصوص باید اشاره کنم که چین و هند، هم‌جزو بزرگ‌ترین فولادسازان جهان هستند و هم بزرگ‌ترین ذخایر معدنی دنیا را در اختیار دارند و جایگاه آن‌ها در بخش تولید سنگ آهن و فولاد بسیار بالاتر از ایران است. با نگاهی به نحوه فعالیت این دو کشور در دهه گذشته در می‌یابیم که هر دو هم‌جزو بزرگ‌ترین تولیدکنندگان سنگ آهن بوده‌اند و بخش قابل توجه سنگ آهن مورد نیاز صنایع فولادشان را خودشان استخراج و تولید می‌کرده‌اند. اما در سال‌های گذشته تغییر استراتژی داده‌اند. در حال حاضر چین بیشتر نیازش به سنگ آهن را از طریق واردات تأمین می‌کند. به این شکل که با سرمایه‌گذاری در معادن بزرگ دنیا (مثلاً در استرالیا) و یا از محل قراردادهای بلندمدت چندساله، سنگ آهن مورد نیاز خود را با قیمت‌های بسیار مناسب تهیه می‌کند و به دلیل کیفیت بالای مواد اولیه وارداتی، هزینه کمتری برای فرآوری صرف می‌کند. ضمن این که در بخش حمل‌ونقل دریا، تجهیزات بندر نیز سرمایه‌گذاری‌های کلان انجام داده و کشتی‌های چند صد هزار تنی برای حمل و نقل خریداری کرده است. تا جایی که هزینه انتقال هر تن سنگ آهن از استرالیا به چین تنها ۵ دلار است، در حالی که هزینه انتقال سنگ آهن برای ایران از طریق حمل و نقل دریایی بیش از ۲۰ تا ۳۰ دلار خواهد شد. جالب اینجاست که چینی‌ها این شرکت به عنوان پیش‌نشان حوزه فولاد و صنایع معدنی، قصد دارد با اصلاح روند فعلی، به ایجاد تعادل در ساختار صنعت معدن کشور کمک کند.

■ **فولاد مبارکه اصفهان می‌تواند چه کمکی در این زمینه بکند؟**

ابتدا باید در حوزه اکتشافات، سرمایه‌گذاری‌های اساسی صورت گیرد. شرکت فولاد مبارکه اصفهان آمادگی خود را در این زمینه اعلام کرده و معاونت معدنی این شرکت نیز با همین هدف شگرف گرفته است. اما برای ادامه کار، به کمک و حمایت

تن سنگ آهن جبران کند. از طرف دیگر، بررسی آمار صادرات سنگ آهن هند در یک دهه گذشته نیز جالب است. صادرات سنگ آهن هند در سال ۲۰۰۹ حدود ۱۱۰ میلیون تن بوده، اما با وضع تعرفه ۴۰ درصدی در سال ۲۰۱۰ این میزان به ۵ میلیون تن رسیده و همین تعرفه و روند تاکنون ادامه یافته است. این در حالی است که در ایران، در ۸ ماه نخست سال گذشته بیش از ۱۱ میلیون تن صادرات سنگ آهن داشته‌ایم. در یک جمله هندی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که به منظور حفظ ذخایر برای نسل‌های بعدی، صادرات ماده خام را متوقف کنند. ضمن این که ارزآوری سنگ آهن در مقایسه با محصولات نهایی فولادی بسیار کمتر است و آن‌ها ترجیح داده‌اند تولید فولادشان را که متضمن اشتغال و ارزش افزوده بسیار بیشتری است از ۶۳ میلیون تن در سال ۲۰۰۹ به ۱۱۵ میلیون تن در برنامه تولید سال ۲۰۲۰ برسانند و موفق هم بوده‌اند.

■ **به نظر شما بزرگ‌ترین چالش پیش روی صنعت فولاد در کشور برای رسیدن به اهداف افق ۱۴۰۴ چیست؟**

صنایع فولادی کشور با کمبود سنگ آهن، کنسانتره و گندله مواجه‌اند، همچنین ظرفیت‌ها و کارخانه‌های کنسانتره ایجاد شده کمبود سنگ آهن دارند؛ بنابراین چالش بزرگ ما در سال‌های آتی توافق ۱۴۰۴ کمبود جدی سنگ آهن خواهد بود. بر اساس پیش‌بینی‌ها در افق ۱۴۰۴ حدود ۲۷ میلیون تن کمبود سنگ آهن خواهیم داشت و این امر نشان می‌دهد تمرکز سرمایه‌گذاری‌های آتی، چه از سوی فولادی‌ها و چه معدنی‌ها، باید در حوزه اکتشاف و بهره‌برداری از معادن سنگ آهن باشد.

■ **آیا امکان جذب سرمایه‌گذار خارجی در این حوزه وجود دارد؟**

بالحاظ شرایط تحریمی کشور، امکان سرمایه‌گذاری خارجی به راحتی برای ما مهیا نیست و با توجه به پتانسیل‌های موجود فولادسازان و صنایع معدنی قوی در کشور نیازی هم به این موضوع نداریم. آنچه مهم است در ک مشکل برنام‌ریزی و جهت‌گیری لازم برای رفع آن است. بر اساس مطالعات صورت گرفته، اگر ذخایر فعلی مدنظر قرار گیرد و از ظرفیت‌های فولادی کشور مطابق برنامه به‌طور کامل استفاده شود، ۱۵ تا ۲۰ سال بعد از افق ۱۴۰۴ ذخایر سنگ آهن کشور به اتمام خواهد رسید؛ پس لازم است جهشی در فعالیت‌های حوزه اکتشاف و بهره‌برداری معادن سنگ آهن کشور رخ دهد و ضمن افزایش تعرفه و توقیف دفعی صادرات سنگ آهن برنام‌ریزی جهت ایجاد زیرساخت‌های واردات سنگ آهن در بلندمدت پیش‌بینی شود.

■ **آیا راهکاری برای حفظ ذخایر سنگ آهن در کشور وجود دارد؟**

با توجه به توضیحات ارائه شده، می‌توان گفت باید صادرات سنگ آهن، گندله و کنسانتره مطلقاً ممنوع شود. همان‌طور که اشاره شد، هند برای صادرات سنگ آهن ۴۰ درصد تعرفه قرار داده است. در ایران نیز باید تعرفه‌هایی برای صادرات مواد خام و مواد اولیه صنعت فولاد در نظر گرفته شود که عملاً این کار دیگر امکان‌پذیر نباشد.

■ **چرا شرکت‌های معدنی همچون شرکت‌های بزرگ چندملیتی به سمت تشکیل کنسرسیوم برای تکمیل زنجیره فولاد نمی‌روند؟**

ساختار صنعت و اقتصاد و بنگاه‌های اقتصادی ما هنوز به بلوغ کامل نرسیده است. در دنیا بحث شرکت‌های چندملیتی، خرید سهام شرکت‌ها و جابه‌جایی سهام‌ها در جهت جلب حداکثری منفی، موضوعی پذیرفته‌شده

است و محدودیتی برای خرید سهام شرکت‌ها توسط شرکت‌های مشابه، رقیب و حتی خارجی وجود ندارد. به همین دلیل شاهد شرکت‌های بزرگی هستیم که از ادغام و به هم پیوستن چندین شرکت مشابه و هم‌راز یا رقیب و یا در یک زنجیره تشکیل شده‌اند و همین امر موجب قدرتمند شدن و نفوذ بیشتر آن‌ها در حوزه فعالیتشان گردیده است. ساختار اولیه زنجیره فولاد کشور ما نیز منسجم طراحی شده بود و بهتر بود در روند واگذاری‌ها و خصوصی‌سازی به این مهم توجه می‌شد و این انسجام با واگذاری هم‌زمان و در قالب یک مجموعه معدنی-فولادی بزرگ و مرتبط حفظ می‌گردید؛ اکنون که روند به گونه‌های دیگر رقم خورده، برای رقابت‌پذیری بیشتر ساختار زنجیره باید اصلاحاتی صورت پذیرد. با نگاهی به ساختار مدیریتی، نظام تصمیم‌گیری و سهام‌داران اصلی شرکت‌های بزرگ فولادی و معدنی در می‌یابیم که اگر عزم جدی و درک صحیح از ساختار زنجیره فولاد و عوامل قوت آن داشته باشیم، این مهم امکان‌پذیر است.

■ **چه چالش‌هایی سبب شده است که سرمایه‌گذاری داخلی در کشور است؟**

تصور می‌کنم آنچه در مواردی بیش از هر عامل دیگری مانعی بر سر راه توسعه و پیشرفت قدرتمند کشور بوده جایگزینی دیدگاه کارشناسی با تصمیمات سیاسی است. در سرمایه‌گذاری و اجرای طرح‌های صنعتی و اقتصادی، بیش و پیش از نظر نمایندگان محترم و اهالی سیاست باید مباحث علمی همچون آمایش سرزمینی، وجود زیرساخت‌های لازم و پتانسیل‌های منطقه سرمایه‌پذیر، ظرفیت‌های اقتصادی سطح یا پروژه مورد اجرا و مواردی از این دست مدنظر قرار گیرد تا شاهد اجرای طرح‌های غیراقتصادی و یا همواره نیازمند حمایت دولت نباشیم. موضوع مهمی که اکنون در کشور مطرح می‌شود رسالت وزارت صمت برای ورود به این مباحث است. به عنوان مثال، کشور چین که دارای حجم بسیار زیاد تولید فولاد، سنگ آهن، زغال سنگ و کک است، بر اساس آمایش سرزمینی و پتانسیل‌های موجود در هر منطقه صنایع لازم را ایجاد کرده و توسعه داده و مدیریت می‌کند؛ در مناطقی تمرکز تولید سنگ آهن وجود دارد، در استانی تمرکز تولید کک و در منطقه‌های فولاد. اگر مدیریت مقتدرانه و برنام‌ریزی شده دولت مرکزی بر زنجیره فولاد چین نبوده، به هیچ وجه شاهد این حجم بالا و رقابت‌پذیری فولاد در این کشور نبودیم. اگر قرار بر توسعه و گسترش یافتن و داشتن شرکت‌های بزرگ است، باید در کمر درستی از اقتصاد بزرگ شدن شرکت‌ها داشته باشیم. ما هنوز در کشور این سعه‌صدر و تحمل را نداریم که یک سرمایه‌گذار یا شرکت بزرگ به یک غول تجاری تبدیل شود. امروزه شرکت‌های بزرگ دنیا گردش‌های مالی زیادی در کشورهای مختلف دارند. گردش مالی بسیاری از این شرکت‌ها حتی از فروش کل نفت ایران در شرایط عادی و غیر تحریمی به مراتب بیشتر است. بنابراین رویکرد جدید ما برای توسعه و جهش تولید و توسعه عدالت و حل مشکل اشتغال در کشور باید حمایت و هدایت سرمایه‌گذاران دارای اهلیت باشد. توسعه عادلانه این است که کار را به اهلیت بسپاریم. متأسفانه در واگذاری‌هایی که در سال‌های قبل در کشور صورت گرفته، در مواردی کار به اهلیت واگذار نشده است. واگذاری به‌ظاهر در قالب مزایده یا واگذاری سهام یک شرکت در بورس بوده، اما نتیجه نهایی نشان می‌دهد متأسفانه هدف اصلی خصوصی‌سازی محقق نشده است. بهرهوری است محقق شده است.

■ **گفت‌وگو**

معاون خرید فولاد مبارکه:

هر گونه تصمیم غیرکارشناسی در التهاب بازار محصولات فولادی مؤثر است

بدون شک یکی از مهم‌ترین تصمیمات معاون معدنی وزارت صمت در هر سال، تعیین قیمت کنسانتره، گندله و آهن اسفنجی است.

پس از گذشت دو ماه از جلسه تنظیم بازار که به همین منظور به میزبانی معاونت معدنی وزارت صمت برگزار شد، به نظر می‌رسد در روزهای آتی شاهد اعلام نهایی قیمت کنسانتره، گندله و آهن اسفنجی خواهیم بود.

جهت اطلاع از آخرین تحولات این حوزه با مهندس رضا یزدخواستی، معاون خرید شرکت فولاد مبارکه گفت‌وگویی انجام شده است که می‌خوانید.

■ **در روزهای اخیر پیشنهادهای زیادی برای تعیین قیمت مطرح شده بود، به نظر شما جمع‌بندی کلی وزارت صمت در این باره چه خواهد بود؟**

در دو ماه اخیر، کارشناسان حوزه فولاد و معدن، نظرات خود را درباره قیمت‌گذاری مطرح کرده‌اند و این یکی از مزیت‌های این دوره بر دوره‌های دیگر بوده است. فرضی که معاونت معدنی وزارت صمت برای بررسی آنجمن‌ها و کارشناسان تخصیص داد، شفافیت بیشتری در مدل‌های محاسبه قیمت ایجاد کرد. قطعاً تصمیمی که وزارت صمت در این دوره خواهد گرفت کارشناسی تر خواهد بود و جوانب مختلف موضوع را رعایت خواهد کرد.

■ **مدل پیشنهادی شرکت فولاد مبارکه برای تعیین قیمت کنسانتره و گندله چه خواهد بود؟**

فولاد مبارکه خود را پایبند به تصمیمات کارشناسی و فنی می‌داند و هر گونه تصمیم غیر کارشناسی را در التهاب بازار محصولات فولادی مؤثر قلمداد می‌کند. این شرکت بهترین مدل تعیین قیمت را قیمت‌گذاری بر مبنای توزیع سود عادلانه بر اساس هزینه سرمایه‌گذاری می‌داند.

■ **آیا بر اساس این مدل شاهد افزایش در قیمت کنسانتره، گندله و آهن اسفنجی خواهیم بود؟**

بررسی کارشناسان نشان می‌دهد افزایش قیمت در سال ۹۹ هیچ‌گونه توجیهی ندارد. از این رو فولاد مبارکه با هر گونه افزایش قیمت مخالف است.

■ **وضعیت کسری کنسانتره و گندله در بازار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

کسری کنسانتره و گندله برای فولادسازان در سال ۹۹ قطعی است. در جدول توزیع مواد سال ۳۰۹۹ میلیون کسری کنسانتره وجود دارد که تا ۶ میلیون قابل افزایش است و تأمین گندله فولادسازان هم با توجه به عدم راه‌اندازی واحدهای جدید گندله‌سازی با ما و اگر همراه است.

■ **راه‌حل جبران این کسری را چه می‌دانید؟**

امسال سال جهش تولید است و مدیریت کسری مواد اولیه فولادسازان قطعاً در جهش تولید مؤثر خواهد بود. معاونت معدنی وزارت صمت در مدیریت بازار آهن اسفنجی تبدیری اندیشیده و دلالت را از بازار حذف کرد. در این روش تولیدکننده متعهد است محصول خود را به تولیدکننده موجود در زنجیره عرضه کند. این تدبیر قطعاً باید برای کنسانتره و گندله هم اجرایی شود تا ضمن مدیریت بازار، از حداکثر مواد موجود در زنجیره استفاده گردد.



بدون شک یکی از مهم‌ترین تصمیمات معاون معدنی وزارت صمت در هر سال، تعیین قیمت کنسانتره، گندله و آهن اسفنجی است.

پس از گذشت دو ماه از جلسه تنظیم بازار که به همین منظور به میزبانی معاونت معدنی وزارت صمت برگزار شد، به نظر می‌رسد در روزهای آتی شاهد اعلام نهایی قیمت کنسانتره، گندله و آهن اسفنجی خواهیم بود.

جهت اطلاع از آخرین تحولات این حوزه با مهندس رضا یزدخواستی، معاون خرید شرکت فولاد مبارکه گفت‌وگویی انجام شده است که می‌خوانید.

■ **در روزهای اخیر پیشنهادهای زیادی برای تعیین قیمت مطرح شده بود، به نظر شما جمع‌بندی کلی وزارت صمت در این باره چه خواهد بود؟**

در دو ماه اخیر، کارشناسان حوزه فولاد و معدن، نظرات خود را درباره قیمت‌گذاری مطرح کرده‌اند و این یکی از مزیت‌های این دوره بر دوره‌های دیگر بوده است. فرضی که معاونت معدنی وزارت صمت برای بررسی آنجمن‌ها و کارشناسان تخصیص داد، شفافیت بیشتری در مدل‌های محاسبه قیمت ایجاد کرد. قطعاً تصمیمی که وزارت صمت در این دوره خواهد گرفت کارشناسی تر خواهد بود و جوانب مختلف موضوع را رعایت خواهد کرد.

■ **مدل پیشنهادی شرکت فولاد مبارکه برای تعیین قیمت کنسانتره و گندله چه خواهد بود؟**

فولاد مبارکه خود را پایبند به تصمیمات کارشناسی و فنی می‌داند و هر گونه تصمیم غیر کارشناسی را در التهاب بازار محصولات فولادی مؤثر قلمداد می‌کند. این شرکت بهترین مدل تعیین قیمت را قیمت‌گذاری بر مبنای توزیع سود عادلانه بر اساس هزینه سرمایه‌گذاری می‌داند.



■ **آیا بر اساس این مدل شاهد افزایش در قیمت کنسانتره، گندله و آهن اسفنجی خواهیم بود؟**

بررسی کارشناسان نشان می‌دهد افزایش قیمت در سال ۹۹ هیچ‌گونه توجیهی ندارد. از این رو فولاد مبارکه با هر گونه افزایش قیمت مخالف است.

■ **وضعیت کسری کنسانتره و گندله در بازار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

کسری کنسانتره و گندله برای فولادسازان در سال ۹۹ قطعی است. در جدول توزیع مواد سال ۳۰۹۹ میلیون کسری کنسانتره وجود دارد که تا ۶ میلیون قابل افزایش است و تأمین گندله فولادسازان هم با توجه به عدم راه‌اندازی واحدهای جدید گندله‌سازی با ما و اگر همراه است.

■ **راه‌حل جبران این کسری را چه می‌دانید؟**

امسال سال جهش تولید است و مدیریت کسری مواد اولیه فولادسازان قطعاً در جهش تولید مؤثر خواهد بود. معاونت معدنی وزارت صمت در مدیریت بازار آهن اسفنجی تبدیری اندیشیده و دلالت را از بازار حذف کرد. در این روش تولیدکننده متعهد است محصول خود را به تولیدکننده موجود در زنجیره عرضه کند. این تدبیر قطعاً باید برای کنسانتره و گندله هم اجرایی شود تا ضمن مدیریت بازار، از حداکثر مواد موجود در زنجیره استفاده گردد.